



برونو لاتور: امکان جامعه شناسی بدیل / نیازمند روش جدید در جامعه شناسی هستیم

برونو لاتور، فیلسوف و جامعه شناس فرانسوی گفت: باید رویکرد و روشی جدید در جامعه شناسی وارد کنیم که می گوید به جای در نظر گرفتن افراد جدا از هم باید هم پوشانی میان آن ها را در نظر گرفت.

برونو لاتور، فیلسوف و جامعه شناس فرانسوی گفت: باید رویکرد و روشی جدید در جامعه شناسی وارد کنیم که می گوید به جای در نظر گرفتن افراد جدا از هم باید هم پوشانی میان آن ها را در نظر گرفت.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست امکان جامعه شناسی بدیل روز دوشنبه ۲۸ فروردین ماه با حضور برونو لاتور، فیلسوف و جامعه شناس فرانسوی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد.

برونو لاتور که با کتاب زندگی آزمایشگاهی مشهور شد در ابتدا با تفکیک دو نوع جامعه شناسی اجتماعی که با دورکیم شناخته می شود و جامعه شناسی پیوند که با دورکیم و گابریل تارد شناخته می شود عنوان کرد: جریان اول خود به دو نوع خرد و کلان تقسیم می شود.

وی افزود: تارد یک سؤال غیر معمول مطرح می کند که جامعه چیست؟ و در ادامه به بحث مالکیت دو جانبه اشاره می کند که توسط همه انسان ها به اشکال مختلف اعمال می شود. یک سوء تفاهم در نظریه اجتماعی وجود دارد و آن این است که دو نحله در اروپا وجود دارند که یکی برای مطالعه پدیده های اجتماعی از فرد آغاز می کند و دیگری از جامعه. حال آن که چیزی که مهم تر است آن است که ابزارهای جمع آوری داده های ما چیست. به عنوان مثال مطالعه پدیده های کلان مانند بازار سرمایه و ... با توجه به رویکرد کنش گر-شبکه (Actor-Network Theory) به این صورت است که در این رویکرد ابزارهای جمع آوری اطلاعات مهم است.

وی ادامه داد: برای توضیح پدیده های کلان مانند سرمایه داری می توانیم به ابزارهای جمع آوری اطلاعات در یک بانک تمرکز کنیم. برای مطالعه هر مسئله در نظریه اجتماعی به چیزهایی نیاز داریم. اول از همه مکان است، سپس جریان جمع آوری داده ها و بعد از آن ابزارهای سنجش داده ها مثل نقش یک کامپیوتر در یک بانک. در مرحله بعد تفسیر این اطلاعات توسط متخصصان را داریم. اما اگر بخواهیم به سطح بالاتر مثل جامعه برویم امکان مطالعه این مسائل را نخواهیم داشت.

لاتور در ادامه با تأکید بر نقش مهم مقیاس در نظریه اجتماعی تا پیش از نظریه کنش گر-شبکه (ANT) گفت: مقیاس به قدری در نظریه جامعه شناسان اهمیت داشته که آن ها بر اساس مقیاس مورد مطالعه خود، مثل مقیاس خرد یا مقیاس کلان، روش و رویکرد خود را از هم دیگر جدا می کردند. اما نکته این جاست که این مقیاس را خود این کنش گران ساخته اند. به همین خاطر در رویکرد کنش گر-شبکه (ANT) مقیاس را به طور کلی کنار می گذاریم.

وی افزود: تصور اشتباه این است که مطالعه مسائل اجتماعی در سطوح مختلف مانند زوم کردن دوربین است که مدام می تواند به سطح بزرگ و کوچک جا به جا شود. در رویکرد کنش گر-شبکه (ANT) این مسئله حل شده و طبق این رویکرد معتقد هستیم که ما به ابزارها و آزمایشگاه های متفاوت نیازمندیم. به بیان دقیق تر در رویکرد کنش گر-شبکه (ANT) به جای رفتن از سطحی به سطح دیگر، از شبکه ای به شبکه دیگر می رویم. در بحث مقیاس به جای تفاوت مقیاس ها باید به ارتباط دو جانبه توجه کنیم. به عنوان مثال در مسائل سیاسی اگر می گوئیم یک فردی دیدگاه جهانی دارد این فرد حتماً باید دیدگاه منطقه ای هم داشته باشد. در واقع جهانی شدن مالکیت مقیاس نیست بلکه مالکیت اتصالات و ارتباطات است.

پروفسور لاتور با تأکید بر این که رویکرد من یک رویکرد فردی نیست بلکه یک رویکرد تعاملی است ادامه داد: یک نکته عجیب در نظریه اجتماعی این است که تصور می شود که اگر یک چیزی محلی است کوچک است و اگر جهانی است به این معنی است که بزرگ است. در صورتی که ابزار جمع آوری داده ها را فراموش کرده ایم. اشتباه نظریه اجتماعی این جاست که وقتی درباره فرد صحبت می کند او را از همه اتصالاتش جدا می کند و همچنین در نگاه کلان دچار اشتباه مشابهی می شود.

وی گفت: مخصوصاً این مسئله در نگاه دورکیم درباره کل و جامعه وجود دارد. وقتی این جدا شدن اتفاق افتاد مکاتب

مختلف به فکر افتادند تا چگونه به این سؤال جعلی پاسخ دهند و میان فرد و جامعه آشتی ایجاد کنند. ما باید محلی کردن یک امر جهانی و جهانی کردن یک امر محلی را دوباره تعریف کنیم. در این جا دیدگاه تارد پیرامون مفهوم مونا د اهمیت دارد و دیدگاهی متفاوت و منحصر به فرد است.

وی ادامه داد: به عنوان مثال به دنیای دیجیتال توجه کنید. در دنیای اینترنت هر چه فرد را افزایش می دهیم داریم شبکه را گسترش می دهیم. در این مثال چگونه می توان نگاه خرد و کلان را از هم جدا کرد؟ این مثال به فهم مفهوم مونا د کمک می کند. یا در مثالی دیگر افرادی را در نظر بگیرید که در یک دانشگاه جمع می شوند و با هم مرتبط می گردند و دانشگاه های مختلف نیز توسط شبکه های مختلف با هم ارتباط برقرار می کنند. تارد می خواست بگوید که اجزای یک کل از خود آن کل بزرگ تر هستند و این حرف برخلاف دیدگاه رایج و مرسوم ماست.

پروفسور لاتور گفت: باید رویکرد و روشی جدید در جامعه شناسی وارد کنیم که می گوید به جای در نظر گرفتن افراد جدا از هم باید هم پوشانی میان آن ها را در نظر گرفت. مانند تعاریف مختلف دانشمندان از یک مفهوم که ما می آییم به هم پوشانی دیدگاه ها و تعاریف آن ها توجه می کنیم. این یعنی مونا دولوژی که من مقاله ای با این موضوع دارم که در آن به تفصیل به این مسئله پرداخته ام. این مسیری است که نمی توانم بگویم تا انتهای آن پیشرفته ام بلکه در حال پیشبرد آن هستم.

در ادامه نشست مسلم صلی راد به شرح دیدگاه های پروفسور برونو لاتور درباره نشست پرداخت و سپس پروفسور لاتور به پرسش های دانشجویان پاسخ داد.

گزارش از محمد بحرینی